



بر علیه موج جدید اعدام های وحشیانه

جمهوری اسلامی به پا خیزیم!

در روزهای اخیر جمهوری اسلامی ضمن سازماندهی یک یورش سرکوبگرانه، موج جدیدی از اعدام در سراسر کشور براه انداخته است. ده ها تن در شهر های مختلف زیر نام "اراذل و اوباش"، قاجاقچی" و "محارب" و غیره در سیاه چال ها و در برخی از موارد نیز در ملاء عام اعدام شده اند. به گزارش خبرگزاریهای رژیم، در ۶ مرداد ماه تنها در تهران ۲۹ نفر در زندان اوین به دار آویخته شدند. در روز های قبل از آن نیز شاهد اعدام حداقل ۱۱ نفر دیگر در شهرهای سنندج، برازجان و سبزوار بودیم. علیرغم دست یازیدن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به چنین رقمی از اعدام در طی مدت کوتاهی، ابعاد این یورش ضد خلقی وحشیانه آن قدر وسیع است که مطبوعات رژیم با بوق و کرنا اعلام می کنند که علاوه بر اعدام های انجام شده، تعداد دیگری در نوبت اعدام قرار داشته و بزودی ۸ زن و یک مرد نیز سنگسار خواهند شد.

این جنایات وحشیانه در شرایطی بوقوع می پیوندد که جمهوری اسلامی به دلیل بحران پروژه هسته ای با تحریم های قدرت های بزرگ مواجه گشته و هر چه که می گذرد فشارها و بار ویرانگر این تحریم ها بیشتر و بیشتر بر زندگی مردم ستمدیده تأثیر می گذارد. در همین حال به دلیل رشد بیسابقه بحران های اقتصادی نظام حاکم، فقر و گرسنگی، تورم و بیکاری و گرانی شتابناک، بدیهی ترین مایحتاج زندگی، حیات و هستی مردم محروم و ستمدیده و در راس آنها کارگران و زحمتکشان را هر چه شدید تر در زیر فشارهای سهمگین و خرد کننده قرار داده است. این شرایط مسلماً بستری برای رشد بزه کاری در جامعه می باشد و رژیم نیز جرم اکثر اعدام شدگان را قتل و راهزنی و یا خرید و فروش مواد مخدر اعلام کرده است. البته در موج اعدام های اخیر تعدادی هم به جرم "محارب" به دار آویخته شده اند که در فرهنگ ضد خلقی جمهوری اسلامی بیشتر به مخالفین نظام اطلاق می شود. اما صرف نظر از این واقعیت که قربانیان موج اخیر اعدامهای جمهوری اسلامی ظاهراً به چه جرمی به دار آویخته شده اند، یک امر روشن است. جنایات اخیر اساساً حاصل فشارهای فزاینده اقتصادی و سیاسی ای ست که از واقعیت خود رژیم حاکم جدائی ناپذیر بوده و این رژیم بدلیل ماهیت ضد خلقی خود نه می تواند و نه می خواهد

که کمترین گامی را در جهت حل معضلات مرگبار حاکم بر زندگی توده ها بردارد؛ و درست بدلیل ناتوانی اش در ایجاد کار و سیر کردن شکم مردم، خود را مجبور به راه انداختن چنین موج اعدام های وسیع می بیند.

در عین حال باید دانست که تجربه سه دهه حاکمیت سیاه این رژیم نشان داده که استثمارگران حاکم فریبکارانه کوشیده اند تا هر جا که امکان یافته اند مخالفان سیاسی و معترضین به نظام سرکوبگرانه حاکم را نیز با رذالت تمام زیر نام جنایتکاران و تبهکاران اجتماعی اعدام کنند و به این وسیله جنایات ضد خلقی خویش را پنهان سازند.

از این زاویه باید توجه داشت که جمهوری اسلامی در شرایط تشدید بحران و برای حفظ موجودیت منحوس خویش در مقابل خشم و نفرت توده های بجان آمده بار دیگر به کشیدن شمشیر خونین خویش پرداخته و در هراس از انفجار خشم توده های تحت ستم، می کوشد تا با این اعدامها و نمایش سبعیت و جنایات خود، در واقع فضای رعب و وحشت را در کل جامعه حاکم نموده و جرات اعتراض و طغیان بر علیه این وضع جهنمی را در توده های بجان آمده خفه سازد. رژیم امیدوار است که با ارتکاب به جنایات وحشیانه و نمایش آن در انظار عمومی در دل مردم ترس و وحشت بیافریند تا ضمن آن که به خیال از بار بزه کاری در جامعه بکاهد، کارگران و زحمتکشان را نیز از گسترش اعتراضات و مبارزاتشان باز دارد. در واقع، این اعدام ها پیام سردمداران رژیم به توده های ستمدیده ای است که تحت فشار زندگی اعتراضات و مبارزات آنها هر روز گسترش بیشتری می یابد. جمهوری اسلامی با توسل به این جنایات و نمایش علنی آنها می کوشد سدی در مقابل مبارزات کارگران و زحمتکشان ایجاد کرده، آنها را مرعوب ساخته و بدین ترتیب پایه های سلطه جهنمی خود را مستحکم سازد.

در چنین شرایطی نیرو های انقلابی وظیفه دارند ضمن افشای اهداف پلید رژیم به هر وسیله که می توانند بر علیه این سیاست ضد مردمی بپاخیزند و با محکوم کردن موج اعدامهای اخیر، فریاد مردم ستمدیده ایران را در سراسر جهان پژواک دهند.

مرگ بر رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب ، زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۲ آگوست ۲۰۰۸ - ۱۲ مرداد ۱۳۸۷